

گزارشی از شرایط کار و زیست کارگران کوره های آجر پزی ارومیه

اتحادیه آزاد کارگران ایران

پنجشنبه چهاردهم شهریور ۱۳۸۷

کارگران کوره های آجر پزی ارومیه از ششم خرداد ماه امسال با خواست افزایش دستمزدها بمدت بیست روز دست به اعتصاب زدند اما این اعتصاب با یورش نیروهای امنیتی و انتظامی به کارگران و بازداشت ۲۶ نفر از آنان در هم شکست و اعتصاب مذکور بدون رسیدن کارگران به خواستهایشان پایان پذیرفت.

اما عدم موفقیت اعتصاب کارگران کوره های آجر پزی ارومیه نه آغاز مبارزه این کارگران برای دستیابی به مطالباتشان بود و نه پایان آن خواهد بود.

گزارشی که در زیر همراه با عکس آورده میشود توسط یکی از کارگران کوره های آجر پزی ارومیه (عضو اتحادیه) تهیه شده است که به نوبه خود تلاشی است آگاهانه از سوی آنان برای طرح شرایط کار و زیست این بخش از کارگران در افکار عمومی و به این معنا بیانگر وجود مبارزه ای است که علیرغم شکست اعتصاب آنان در خرداد ماه، همچنان در جریان است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ۱۳۸۷/۶/۱۴

توضیحی پیرامون نوع کوره های آجر پزی و نحوه کار در آنها

یکی از طاقت فرساترین کارها، کار در کوره پزخانه هاست که در آنها کارگران به همراه اعضای کوچک و بزرگ خانواده هایشان مشغول به کارند.

بطور کلی برای استحصال آجر دو نوع کوره وجود دارد که اصطلاحاً کوره "ملی" و "دستی" نامیده می شوند. کوره های دستی کوچک تر از کوره های ملی هستند و در آن ها سه یا چهارخانواده کار می کنند و اگر کل نیروی کار آن ها حساب شود، حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر کارگر دارند. در این گزارش به شرح اوضاع کار، شرایط زندگی و نحوه کار در کوره پزخانه های "ملی" پرداخته ایم:

در کوره های ملی افراد بیشتری، گاه تا هفتصد نفر کار می کنند. کار هر کوره پزخانه به عهده قالب دار، چرخ کش، کوره چین، ترمزچی، کوره سوز و چند کارگری است که کارهای حاشیه ای کوره را به عهده دارند. با شروع فصل بهار و گرم شدن نسبی هوا، کم کم کار شروع می شود. در کار قالب داری یک نفر موظف است خاک را با آب تبدیل به گل کرده و برای قالب داران جهت درست کردن آجر آماده کند. قالب داران نیز گل را به وسیله قالب های ۴ خانه و ۵ خانه تبدیل به آجر می کنند. هر قالب دار در روز توانایی درست کردن ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ عدد آجر را به نسبت توانایی جسمی خود دارد. آجرهای خیس را حدوداً تا ۱۰ ساعت (بستگی به شرایط جوی و هوای گرم و خنک دارد) نگه می

دارند تا خشک شود. آن گاه آجر های خشک را جمع می کنند که اصطلاحاً به آن ها "فند" گفته می شود. در کار قالب داری، خانواده ها اعم از دختر و پسر، زن و مرد، بچه و سالخورده با توجه به این که برای هر شرایط سنی کاری وجود دارد؛ کار می کنند. ساعات کار طولانی بوده، به طوری که از ساعت ۴ صبح شروع و تا ساعت ۷ و ۸ شب ادامه دارد. دستمزد این کارگران هزاری است و برای هر هزار عدد آجر آماده، مبلغی مشخص حقوق تعلق می گیرد.

بعد از قالب داری کار چرخ کش است که در آن کارگران آجرهای خام را به وسیله چرخ هایشان به محل سرخ کردن شان که اصطلاحاً "قمیر" نامیده می شود، منتقل می کنند. آن ها هر بار حدود ۸۰ عدد آجر را از سرایشب های تند و خطرناک عبور داده و در داخل قمیر نیز یک نفر به عنوان کوره چین مسئول چین آجرها بر روی همدیگر تا سقف قمیر به صورت منظم است. هر کوره با توجه به بزرگ و کوچک بودن آن از ۳۵ تا ۵۰ قمیر تشکیل شده است و هر قمیر با توجه به اندازه آن، گنجایش ۱۸۰۰۰ تا ۳۳۰۰۰ آجر را دارا می باشد. بعد از پر شدن هر قمیر یک نفر مسئول گرفتن در آن به وسیله آجر سرخ نشده و ملات است. حقوق کارگران چرخ کش هم هزاری می باشد.

بعد از کار چرخ کش ها و انتقال آجرهای خام از میدان ها به قمیرها، نوبت به سرخ کردن آجرها در دمای بسیار بالا می رسد که به وسیله نفت سیاه انجام می گیرد. مسئولیت این کار و تنظیم آتش و کارهای آن را دو نفر به صورت شبانه روزی برعهده دارند که "کوره سوز" نامیده می شود. برای سرخ شدن هر قمیر آجر خام، حدود ۲۴ ساعت وقت لازم است. بعد از سرخ شدن آجرها و آماده شدن کامل آن ها، درب قمیرها را باز می کنند تا حرارت شدید آن ها برطرف شده و برای فروش و بار کردن آماده شوند. حقوق کوره سوزها تنی حساب می شود. دمای تقریبی حرارت ۹۰۰ درجه است. بعد از سرخ شدن آجرها نوبت باز کردن آن هاست. امر بار کردن آجرها نیز بر عهده تعدادی کارگر است که به آن ها "قرمزدار یا قرمزچی" گفته می شود. کار آن ها بسیار سخت و طاقت فرساست. آنان قبل از آن که آجرها به اندازه کافی سرد شوند در هوای بسیار گرم و گرد و خاک شدید که تقریباً کار در آن شرایط از عهده کم تر کسی بر می آید، مجبور به بارکردن آجرها هستند. حقوق قرمزدارها به تعداد ماشین هایی است که بار زده می شوند.

یکی دیگر از کارهای کوره نیز کار "انبار زن" است. انبار زنها آجرهای بر جای مانده از قمیرها را در میدان ها بر روی هم می چینند تا درفصل تعطیلی کار قالب داری و تولید آجر خام از انبارها استفاده کنند. در انبار زنی نیز گاه زن ها و بچه ها هم کار می کنند. حقوق آن ها هم به تعداد آجر و هزار تایی حساب می شود.

مشکلات موجود در کوره پزخانه ها

بدون شک کارگران هیچ نقطه از جهان اوضاع چندان خوبی ندارند. کارگران کوره ها در این میان از جمله کارگرانی هستند که بیشتر از هر بخش دیگری درگیر این مشکلات هستند.

نداشتن مسکن مناسب یکی از مشکلات بزرگ کارگران است. در کوره ها منزل های مسکونی کارگران را در یک ردیف ساخته و به هر خانواده ۲ یا ۳ اتاق داده می شود. اندازه این اتاق ها حدوداً سه در چهار و ارتفاع آن ها حدود ۱/۸۰ متر است. ضخامت دیوارها بسیار کم و سقف آن ها چوبی است که در مقابل حوادث مقاومت چندانی ندارند. کف آن ها سیمان و دیوارها گچی است و کلا ساخت آن ها قدیمی و کهنه است و بیش از ۱۵ سال از تاریخ احداث آن ها می

گذرد. هم چنین اکثر اتاق ها دارای رطوبت هستند به طوری که هر هفته کارگران مجبور به انتقال اسباب و اساس منزل به بیرون و خشک کردن آن ها جلوی آفتاب هستند که در حین کار مشکلی بزرگ است.

آب آشامیدنی اصلا سالم نیست و برای هر ردیف منزل مسکونی که گاه تا ده خانوار در آن زندگی می کنند، تنها ۲ عدد شیر آب و در بعضی جاها سه یا چهار شیر آب وجود دارد که اصلا کافی نیست و بیشتر وقت ها کارگران باید در صف آب بنشینند.

دست شویی ها و سرویس های بهداشتی اصلا مناسب و کافی نیستند. به طوری که برای هر ردیف منزل، تنها دو دست شویی ساخته شده است که در عین نامناسب بودن حتی بیشتر آن ها در هم ندارند. حمام ها عمومی است و در داخل یک سالن کوچک ساخته شده و تعداد آن ها کم است. حمام ها نیز از نظر بهداشتی نامناسب هستند. اکثر آن ها فاقد برق، شیشه های شکسته شده و کاشی های لک گرفته و کثیف، دوش های آب و دستگیره های شیرها همیشه خراب هستند. کسی هم به فکر درست کردن این ها نیست.

فاضلاب حمام ها به جایی دور از منزل مسکونی کارگران انتقال داده نشده و در چند قدمی منزل ها، چاله ای برای این منظور حفر شده که آن هم سرپوش نداشته و تنها محیط را آلوده و غیر بهداشتی می کند. آشغال ها از سوی خود کارگران در یک مکان جمع آوری می شود. اما کار انتقال آن ها که طبیعتا برعهده کارفرمایان(به مکانی دور از محل زندگی کارگران) است، به هیچ عنوان به مرحله انجام نمی رسد. به ناچار باید آن ها را آتش بزنند که این کار هم ایجاد آلودگی شدید هوا کرده و آسایش مردم را مختل می کند. مساله مهم تر از هر چیز وضعیت تحصیل کودکان است که آن هم به نوبه خود دارای مشکلات بسیار زیادی است. این کودکان به دلیل فقر شدید مالی خانواده مجبور به انجام سخت ترین کارها در سنین پایین کودکی می شوند و در همین سنین دستان کوچکیشان به جای قلم و کاغذ، با خشت های سنگین وزن و گرمای شدید محیط کار در طول شبانه روز آشنا می شود.

آن ها نصف سال تحصیلی شان را مجبورند در حین کار سپری کنند. به طوری که نصف روز را در مدرسه و نصف دیگر روز را در کوره ها کار می کنند. خانواده هایی وجود دارند که به دلیل نداشتن مسکن مجبورند فصل تعطیلی کار را نیز در منزل های کوره ها بگذرانند که در این صورت زمستان در راه است و به خاطر این که کوره ها دور از شهرها و روستاها واقع هستند، وسایل نقلیه درمسیر بچه ها تردد ندارند. ناچارا بچه ها تمامی راه را با پای پیاده طی کنند. باز در طول راه امکان دارد با سگ های ولگرد، گرگ و حیوانات درنده برخورد کنند. داشتن تمامی این مشکلاتی که به آن اشاره شد برانگیزه و روحیه آن ها تاثیر منفی گذاشته و بیشتر اوقات سبب ترک تحصیل بچه ها می شود.

به لحاظ تامین اجتماعی کارگران کوره های آجر پزی از هیچ تامینی برخوردار نیستند و حتی همین قوانین ابتر موجود نیز در این کوره ها جایی ندارند. اداره کار صراحتا در کنار کارفرماها قرار دارد و و اگر کارگری نیز به اداره کار شکایتی ببرد با توهین از آنجا رانده میشود. به عنوان مثال در اعتصاب امسال رئیس اداره کار ارومیه با زبانی توهین آمیز شخصا کارگران را تهدید به استفاده از زور برای در هم شکستن اعتصاب کرد. به همین دلیل کارفرمایان براحتی کارگران را اخراج و شرایط دلخواه خود را بر آنان تحمیل میکنند. در رابطه با سوانح ناشی از کار، کارفرمایان هیچ مسئولیتی بر عهده نمیگیرند و هر کارگری حین کار آسیبی ببیند به حال خود رها میشود. به عنوان مثال لباس کارگران قسمت پخت آجر بطور دائمی آغشته به نفت سیاه است و همین امسال کارگری حین خشک کردن لباسهای خود که بناچار

آنها را با بنزین شسته بود دچار آتش سوزی شد و جان خود را از دست داد. حتی خانواده این کارگر نتوانستند از کارفرما شکایتی بکنند و به این ترتیب کارگر مذکور بدون اینکه احادی کک اش بگزد و کارفرما کوچکترین مسئولیتی را متوجه خود بکند در عنفوان جوانی در میان شعله های آتش جان باخت.

یا همین امسال در یکی از کوره ها کودکی حین خوردن بستنی که از شدت گرما به سایه تپه های خاکی مخصوص گل آجر پناه آورده بود بدلیل ریزش خاک و مدفون شدن در زیر آن در مسیر انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد. علیرغم اینکه معمولاً کوره های آجر پزی در هر منطقه ای دور از محیط شهری و در منطقه بخصوصی متمرکز هستند با اینحال هیچ درمانگاه و یا مرکز پزشکی حتی کوچکی در کنار آنها وجود ندارد تا در صورت آسیب دیدگی کارگران درمانهای اولیه در آنجا صورت بگیرد. خود همین مسئله یکی از عوامل جان باختن کودکی بود که آوار تپه خاکی بر سرش فرو ریخت و در راه انتقال به بیمارستانی در شهر ارومیه جان باخت.

شدت کار در کوره های آجر پزی بسیار بالاست. بدلیل اینکه دستمزد این کارگران به ازای هر هزار عدد آجر تعیین میشود آنان ناچار هستند برای رسیدن به دستمزدی که بتواند زندگی شان را بدرجه ای تامین نماید روزانه تا ۱۶ ساعت کار کنند و در حین کار تا آنجا که میتوانند و با توجه به توان جسمی شان با شدت و سرعت هر چه بیشتری کار می کنند چرا که این کارگران در فصل سرما و تعطیلی هیچ دستمزدی دریافت نمیکنند و در مدت ۵ - ۶ ماه باید قادر شوند خرج زندگی یکساله خود را در بیاورند.

خود همین امریکی از عوامل اصلی کار کودکان و تمامی اعضای خانواده از پیر و جوان در کوره های آجر پزی است. اغلب کارگران کوره های آجر پزی برای رسیدن به دستمزد روزانه بیشتری حتی موقع ناهار نیز استراحتی نکرده و در مدت بیست دقیقه ناهار خورده و بر سر کار هایشان حاضر میشوند.

اتحادیه آزاد کارگران ۸۷/۶/۱۴

www.ettehadeh.com

ایمیل: k.ekhraji@gmail.com

فاکس: ۰۲۱۴۴۵۱۴۷۹۵

برای دریافت گزارش تصویری این مطلب به سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران مراجعه نمایید